

قدردانی نمایم. در صورت داشتن هرگونه نظر یا پیشنهاد و ... به پست الکترونیکی

Ali.t521@yahoo.com مکاتبه نمایند تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

سید علی اکبر تقویان

بهار ۹۹

avabook.com

فصل نهم: در ودیعه

مبحث اول: در کلیات

ماده ۶۰۷- ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آن که آن را مجاناً نگاه دارد. ودیعه‌گذار مُودِع و ودیعه‌گیر مُسْتَوْدِع یا آمین می‌گویند.

سؤال = ودیعه چه نوع قراردادی است؟

جواب = براساس گفته قانونگذار در ماده فوق ۶۰۷ ودیعه یک عقدی است که به موجب آن شخصی مال خود را به دیگری می‌سپارد به منظور اینکه وی آن مال را مجاناً (بدون عوض و مزد) نگهداری نماید. از نظر اصطلاح حقوقی ودیعه‌گذار (امانت‌گذار) را مودع و ودیعه‌گیر (امانت‌پذیر) را مستودع یا آمین می‌گویند. برای مثال می‌توان به ماده ۶۳۲ قانون مدنی اشاره کرد که مصادیقی و مواردی از ودیعه (امانت سپردن یک چیز به منظور مجانی حفاظت کردن از آن) را بیان می‌کند که می‌گوید: «کاروانسرا دارد و صاحب مهمانخانه و حمامی و امثال آنها نسبت به اشیاء و اسباب یا البسه واردین وقتی مسئول می‌باشند که اشیاء و اسباب یا البسه نزد آنها ایداع (امانت) شده باشد و یا اینکه بر طبق عرف بلد (شهر) در حکم ایداع باشد.» معلوم شد مسئول کاروانسرا و متصدی مهمانخانه و صاحب حمام که به آن حمامی می‌گویند کسانی هستند که مراجعه کنندگان (واردین) لباس‌ها (البسه) و کالاهای خود را به عنوان امانت به آنها می‌سپارند تا از آنها نگهداری نمایند. و معلوم شد که امانت‌پذیر در این موارد بدون عوض و مزد اقدام به انجام این وظیفه و مسئولیت می‌نماید. اکنون نکاتی را در این مورد اضافه می‌کنیم:

۱- نکته اول اینکه در دوران و روزگار امروزی دیده شده که شکل و روش امانت‌پذیری در برخی موارد با گذشته تفاوت پیدا کرده است ولی به نظر می‌رسد علی‌رغم تغییر روش و شکل امانت‌پذیری از نظر ماهیت و حقیقت امانت بودن تفاوتی بین موارد کنونی و موارد گذشته وجود ندارد و بر تمام آنها عنوان عقد و قرارداد امانت (ودیعه) صادق است. مثلاً در روزگار کنونی اشخاصی در رستوران‌ها، مهمانسراها و سایر اماکن عمومی گماشته شده‌اند که لوازم و اسباب مراجعه‌کنندگان را مانند لباس‌های آنها و یا اتومبیل‌ها، موتورها و سایر وسایل نقلیه و همین‌طور وسایل دیگری که همراه با مراجعه‌کنندگان است تحویل می‌گیرند و در مقابل یک شماره‌ای به عنوان رسید به مالک آن وسایل تحویل می‌دهند که ظاهراً این عمل یک عقد ودیعه محسوب

می‌شود و براساس تعریفی که قانونگذار در ماده فوق ۶۰۷ از قرارداد ودیعه (امانت) نموده است این افراد یاد شده بعد از تحویل گرفتن آن وسایل از مراجعه‌کنندگان (واردین) وظیفه و مسئولیت دارند که از آن وسایل به صورت مجانی مواظبت و نگهداری نمایند. بنابراین با توجه به مبنای دو طرف در این عمل (که تحویل‌دهنده وسایل به قصد امانت می‌دهد و تحویل‌گیرنده هم به قصد امانت می‌پذیرد) این عمل یک عقد و قرارداد ودیعه (امانت) به شمار می‌آید هرچند که خالی از عبارت و الفاظ ودیعه می‌باشد. «در این زمینه به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۴، شماره ۵ رجوع کنید.»

۲- نکته دوم در ارتباط با اشتراط قبض (تحویل دادن) در صحت قرارداد ودیعه است که آیا برای صحت قرارداد ودیعه شرط است که مال امانتی تحویل امانت‌پذیر (مستودع) داده شود؟ خیر، قبض مال امانتی شرط صحت قرارداد ودیعه نمی‌باشد بلکه همین مقدار که تحویل‌دهنده قصد دارد تحویل‌گیرنده آن مال را نایب خودش در حفظ و مراقبت از آن کالا قرار بدهد و تحویل‌گیرنده هم به قصد نیابت در حفظ و نگهداری از آن کالا، آن کالا را تحویل می‌گیرد برای صحت قرارداد ودیعه (امانت) کفایت می‌کند و آن قرارداد ودیعه محقق شده است هرچند که هنوز مال امانتی تحویل امانت‌پذیر داده نشده است. از این رو کسی که وارد مهمانسرای می‌گردد و قصد دارد ماشین خود را به مسئول پارکینگ آن مهمانسرا بسپارد و رسیدی دریافت می‌نماید اما هنوز ماشینش را تحویل نداده است ظاهراً مبنای دو طرف در این کار حفاظت و نگهداری شدن آن ماشین به صورت رایگان در پارکینگ به شکل امانت می‌باشد هرچند که به صورت رسمی قرارداد امانت بین آن دو تنظیم نشده است و هنوز ماشینش را تحویل آن مسئول نداده است زیرا همان طوری که گفته شد قبض (تحویل گرفتن) مال شرط برای صحت قرارداد ودیعه (امانت) نمی‌باشد اگرچه ظاهر عبارت ماده ۶۰۷ قانون مدنی قبض را شرط می‌داند زیرا می‌گوید: "... یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد ..." از کلمه "می‌سپارد" این طور به ذهن می‌آید که تحویل دادن (سپردن) برای صحت قرارداد امانت (ودیعه) شرط است. اما نباید به این ظاهر اعتماد نمود چون که تعبیر به "می‌سپارد" ناظر به موارد غالب امانت است، به این معنی که به دلیل اینکه در بیشتر موارد امانت، معمولاً بعد از قرارداد آن مال امانتی تحویل (قبض) داده می‌شود قانونگذار تعبیر به "می‌سپارد" نموده است نه اینکه سپردن مال امانتی شرط برای صحت قرارداد امانت باشد. «در این مورد به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۴ رجوع کنید.»

۳- نکته دیگر اینکه باید در نظر داشت که به این دلیل قانونگذار در ماده فوق کلمه "مجانباً" را ذکر کرده است که بین اجیر کردن یک شخص با امین قرار دادن آن فرق گذاشته باشد. چون که اگر شخص محافظت کننده و نگهداری کننده از مال کسی مجانی محافظت و نگهداری نکند بلکه در برابر این کار خود اجرت بگیرد دیگر نمی توان نام امین بودن بر آن گذاشت و آن قرارداد هم دیگر یک قرارداد ودیعه (امانت) نخواهد بود بلکه یک قرارداد اجاره به شمار می رود و قرارداد اجاره (اجیر کردن شخصی برای انجام دادن کاری) غیر از قرارداد امانت (ودیعه) می باشد و بدین علت و جهت است که قانونگذار قید "مجانباً" را در تعریف ودیعه (امانت) اضافه نموده است. بنابراین اگر مثلاً مالک ماشینی به شخصی بگوید برای مدت یک ماه مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ دوپست هزار تومان به شما می دهم که از ماشین من مراقبت و نگهداری کنی و آن شخص هم قبول نماید در این حالت گفته می شود که از نظر حقوقی مالک ماشین آن فرد را اجیر کرده است و قرارداد اجاره کردن (اجیر کردن) یک انسان به مدت یک ماه بسته شده است و این غیر از قرارداد ودیعه (امانت) می باشد، چون که در قرارداد امانت مزد و اجرتی وجود ندارد. البته با وجود آنچه که گفته شد، در عقد ودیعه اگر شرط پاداش یا اجرت بشود منافاتی با عقد ودیعه ندارد به این ترتیب که اصل قرارداد یک قرارداد ودیعه می باشد لکن شخص امین می گوید من براساس قرارداد ودیعه از مال شما (در مثال ماشین) به عنوان امین و مستودع حفاظت می کنم به شرط اینکه برای یک ماه مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ یکصد هزار تومان به من پاداش یا اجرت بدهی و شخص امانت گذار (= مودع = مالک ماشین) نیز این شرط را قبول می کند که در این حالت آن قرارداد ودیعه از ماهیت و حقیقت ودیعه بودن خارج نشده و همچنان (علیرغم شرط پاداش یا اجرت) آثار و احکام ودیعه بودن را دارد و این طور نیست که چون شرط اجرت یا پاداش در آن شده است آن قرارداد از حقیقت ودیعه بودن خارج شود و تبدیل به قرارداد اجاره گردد. آنچه گفته شد بر مبنای این نظریه است که اگر در قرارداد ودیعه شرط اجرت یا پاداش شود این شرط عوض چهره فرعی و تبعی دارد نه چهره اصلی و ذاتی. به دیگر سخن در قرارداد ودیعه آنچه مقصود بالذات بوده و غرض و هدف اصلی دو طرف قرارداد است نگهداری شدن آن مال مورد امانت به صورت مجانی توسط امین (امانت پذیر) است که این موضوع مورد نظر دو طرف قرارداد به صورت بالاصاله و بالذات می باشد. آنگاه به صورت فرعی و تبعی یک شرط اجرت و عوض هم در آن قرارداد شده است و این شرط فرعی (= شرط اجرت) آن عقد ودیعه را به یک عقدی که ماهیت و حقیقت آن عبارت باشد از "مبادله منفعت (= نگهداری و حفاظت شدن مال) با اجرت"، تبدیل نمی کند. برای آنچه که گفته شد می توان تأییدی نیز آورد و آن تأیید از نظر

قانونگذار در ماده ۸۰۱ قانون مدنی استفاده می‌شود که در ارتباط با جواز شرط عوض در قرارداد هبه (و اینکه شرط عوض قرارداد هبه را از حقیقت هبه بودن خارج نمی‌کند) می‌گوید: "هبه ممکن است معوض باشد و بنابراین واهب می‌تواند شرط کند که متَّهَب مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً (برای او) بجا آورد." توضیح اینکه حقیقت و ماهیت هبه (= قرارداد هبه) این است که انسان به صورت مجانی و بدون چشم‌داشت به عوض و بودن شرط عوض مالی را به دیگری ببخشد و هدیه نموده و به او تملیک نماید. بنابراین کسی که ماشینش را به دوستش هبه کرد و می‌بخشد اما در قرارداد هبه شرط می‌کند با او که به شرطی ماشینش را به وی هدیه می‌کند که او هم در عوض آن قطعه زمین را به وی هدیه نماید چنین قراردادی همچنان ماهیت هبه دارد و از حقیقت هبه بودن خارج نمی‌شود و همین‌طور اگر به او بگوید به شرطی این ماشین را به شما هبه می‌کنم که شما هم با ماشین شخم‌زن این زمین کشاورزی من را شخم بزنی (که در حقیقت با این شرط یک اجرتی از وی دریافت می‌کند) باز هم آن قرارداد هبه از حقیقت هبه بودن خارج نمی‌شود. اکنون از این نظر قانونگذار در مورد هبه می‌توانیم در مورد قرارداد ودیعه هم استفاده نموده و بگوییم گرچه قانونگذار شبیه آنچه را که در مورد قرارداد هبه (در ماده ۸۰۱ قانون مدنی) بیان داشته است درباره قرارداد ودیعه بیان ننموده است لکن با توجه به وحدت مناط و ملاک و معیار به نظر می‌رسد که بتوان این مطلب را به حساب قانونگذار گذاشته که نظر او (قانونگذار) درباره جواز شرط اجرت یا پاداش در قرارداد ودیعه (و اینکه چنین شرطی قرارداد ودیعه را از حقیقت ودیعه بودن خارج نمی‌کند) شبیه نظر وی (قانونگذار) در مورد جواز شرط عوض در قرارداد هبه است که در ماده ۸۰۱ قانون مدنی به آن تصریح نموده است. (و در نتیجه چنین شرطی قرارداد هبه را از حقیقت هبه بودن خارج نکرده و به قرارداد دیگری مبدل نمی‌سازد). بدین ترتیب در قرارداد هبه و ودیعه از نظر جواز شرط عوض شبیه یکدیگر بوده و چنین شرطی در هر دو قرارداد صحیح و جایز بوده و آن قراردادها را از حقیقت و ماهیت اصلی خود خارج نمی‌کند. «در این مورد به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۱، شماره ۱۰ و جلد ۴، شماره‌های ۹ و ۱۴ رجوع کنید.»

۴- چهارمین نکته‌ای که در ارتباط با قرارداد ودیعه باید به آن توجه داشت این است که گاهی نگهداری شدن یک کالایی در محلّی به شکلی می‌باشد که نمی‌توان آن را تابع قرارداد ودیعه دانست بلکه تابع قرارداد اجاره خواهد بود، مانند اینکه قسمتی (مکانی) از یک گاراژ ماشین را همراه با کلید آن مکان در اختیار مالک ماشین قرار می‌دهند که مالک ماشین، ماشین خود را در آن مکان نگهداری می‌کنند و مسئول گاراژ گرچه وظیفه مراقبت کردن از ماشین‌های موجود

در آن گاراژ را دارد اما قدرت ندارد آن ماشین را جابجا نماید زیرا آن مکان نگهداری شدن ماشین قفل شده می‌باشد و مسئول گاراژ هیچ اختیاری در جابجا کردن آن ماشین ندارد و زمانی که وی هیچ قدرت و اختیاری در ارتباط با جابجا کردن آن ماشین ندارد معلوم می‌شود که آن نگهداری ماشین در آن مکان ماهیت و حقیقت اجاره کردن آن مکان را دارد نه حقیقت و ماهیت ودیعه (امانت) زیرا در اجاره کردن مکان از مالک و مسئول آن مکان انتظاری نیست که نسبت به اشیاء موجود در آن مکان مداخله و تصرفی داشته باشد در حالی که در سپردن یک مال (مانند ماشین) به شخصی به منظور حفاظت کردن از آن، انتظار می‌رود که آن شخص امانت‌پذیر (مستودع) هرگونه مداخله و تصرف و نقل و انتقالی که برای حفاظت از آن مال (مانند ماشین در مثال) لازم باشد بتواند انجام بدهد. بنابراین با ملاحظه مطالب بیان شده معلوم می‌شود که آن ماشین پارک شده در قسمتی از گاراژ که کلید آن مکان فقط در اختیار مالک ماشین است و مسئول گاراژ قدرتی و اختیاری نسبت به جابجا کردن آن ماشین ندارد تابع قرارداد اجاره است نه ودیعه. «در این مورد به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۴، شماره ۱۴ رجوع کنید.»

۵- در نکته پنجم بار دیگر به تفاوت احکام و آثار دو عقد اجاره و ودیعه اشاره می‌کنیم که این دو قرارداد هر کدام آثار و احکام جداگانه و متفاوت با یکدیگر دارند. از این رو در مورد این موضوع بین حقوقدانان اختلاف نظر رخ داده است که اگر شخصی مالی را در صندوق بانک امانت می‌گذارد آیا رابطه حقوقی بانک و صاحب آن مال تابع عقد ودیعه است یا تابع عقد اجاره است (یعنی آیا صاحب مال آن صندوق را اجاره کرده است) یا مخلوطی از مقررات عقد ودیعه و عقد اجاره حاکم بر آن می‌باشد؟ البته برخی نظریهٔ اخیر را ترجیح داده‌اند که قسمتی از مقررات قرارداد امانت (ودیعه) و قسمتی از مقررات قرارداد اجاره حاکم خواهد بود. مثال این مورد را می‌توان سپردن جواهرآلات و اسناد املاک و وسایل نقلیه به بانک قرارداد که مالک آن جواهرآلات و اسناد از مسئول بانک درخواست می‌کند که آن اموال را در صندوق آن بانک نگهداری نماید. با مطالعه و دقت نظر در ماده ۶۱۸ قانون مدنی به علت و دلیل اختلاف نظر حقوقدانان در مسئله مطرح شده پی می‌بریم که اظهار می‌دارد: «اگر مال ودیعه در جعبهٔ سر بسته یا پاکت مختوم به امین سپرده شده باشد، حق ندارد آن را باز کند و آلا ضامن است.» یعنی اگر امین آن بسته یا پاکت را باز کرد و آن مال موجود در آن بسته یا پاکت گم شد و یا به سرقت رفت آن امین ضامن است که باید یا مثل و یا قیمت آن مال را به مالکش (امانت‌گذار = مودع) بپردازد. چون که با باز کردن آن بسته یا پاکت مرتکب افراط و تفریط شده است و از

صفت امین بودن خارج شده است پس ضامن است در حالی که تا وقتی که مستودع (امانت‌پذیر) مرتکب افراط و تفریط در ارتباط با مال امانتی نشده باشد چون امین است چنانچه آن مال تلف شود و یا ناقص و معیوب شود وی ضامن نمی‌باشد. استناد به ماده ۶۱۸ قانون مدنی برای موضوع مطرح شده از این جهت مفید بوده و دارای اهمیت می‌باشد که اموال سپرده شده به بانک که در صندوق آن بانک نگهداری می‌شود قفل و مهر موم شده است و چه بسا متصدی و مسئول آن هم نتواند به آن دسترسی پیدا نماید از این رو رابطه مالک آن مال و بانک تابع آثار و احکام اجاره کردن یک مکان می‌باشد اما از طرفی دیگر این چنین نیست که مسئول و متصدی آن اموال سپرده شده در صندوق بانک در هیچ شرایطی نتواند به آن اموال دسترسی پیدا نماید زیرا بالاخره در شرایط و مواقع خاصی امکان دسترسی او به آن اموال وجود دارد بنابراین از این جنبه که به مسئله نگاه شود آثار و احکام امانت (ودیعه) نسبت به آن اموال اعمال و اجراء می‌گردد. و همین دو جنبه داشتن این موضوع (= سپردن اموال در صندوق بانک) سبب شده است که بین حقوقدانان در نوع آن قرارداد (که آیا قرارداد اجاره تحقق پیدا کرده یا قرارداد ودیعه) اختلاف نظر حاصل شود؛ که گفتیم حتی برخی از صاحب نظران حقوقی این عقیده را برگزیده‌اند که در این موضوع و شبیه آن مخلوطی از آثار و احکام هر دو قرارداد (ودیعه و اجاره) حاکم است. «در این خصوص به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۴، شماره ۱۴ مراجعه شود.»

۶- نکته ششم را به بازنگری و تأکید تابع بودن و تابع نبودن رابطه حقوقی یک موضوع نسبت به قرارداد ودیعه اختصاص می‌دهیم. به سخن دیگر در این نکته بحث و بررسی می‌کنیم که آیا اگر عمده‌فروشی کالایی مقداری از کالای خود را به یک خرده‌فروش داد تا آن کالا را در مغازه خود در معرض فروش و مصرف قرار دهد آیا بر این رابطه حقوقی که بین عمده‌فروش کالا و خرده‌فروش کالا ایجاد شده است مقررات قرارداد ودیعه حاکم است یا مقررات قرارداد بیع (خرید و فروش)؟ به نظر می‌آید این رابطه حقوقی تابع احکام مقررات قرارداد ودیعه نمی‌باشد بلکه آثار و احکام قرارداد بیع بر آن حاکم می‌باشد. منظور از تابع بودن یک رابطه حقوقی (مانند مثال زده شده) نسبت به یک قرارداد این است که مثلاً اگر براساس همان مثال زده شد یک عمده‌فروش لوازم بهداشتی مقدار کمی از آن کالاهای بهداشتی را به یک خرده‌فروش داد تا آن را در مغازه‌اش در معرض فروش و مصرف قرار دهد و یا اینکه آن کالاها را جهت آزمایش کردن به مصرف شخصی خود برساند در این حالت گمان نشود که رابطه‌ای که در اثر این مبادله کالا (بین عمده‌فروش و خرده‌فروش) ایجاد شده است تابع قرارداد ودیعه باشد یعنی اگر آن کالاها به

دلیلی (در صورت عدم افراط و تفریط از سوی خرده‌فروش) تلف شده و یا معیوب گردید خرده‌فروش ضامن نباشد همانند شخص امین (مستودع) در قرارداد ودیعه که در صورت عدم افراط و تفریط ضامن نیست. بلکه این خرده‌فروش با گرفتن آن مقدار کم از کالاهای بهداشتی در حقیقت یک مبادله‌ای تابع مقررات و احکام بیع (خرید و فروش) انجام داده است بدین معنی که بعد از تحویل گرفتن آن مقدار کم از کالاهای بهداشتی وی مالک آن کالاها شده است چون که در واقع او یک خریدار است هرچند که به صورت آزمایشی مقدار کمی از آن کالاهای بهداشتی را خریده است تا بررسی کند که میزان میل و رغبت مشتری‌ها نسبت به خریدن آن کالاهای بهداشتی چقدر است ولی به هر حال وی (خرده‌فروش) یک خریدار به شمار می‌آید و رابطه حقوقی حاصل شده بین او و عمده‌فروش تابع احکام و مقررات قرارداد بیع است که یکی از احکام بیع این است که بعد از تحویل گرفتن آن کالاهای موردنظر به دلیل اینکه خریدار مالک آن کالاها شده است چنانچه آن کالاها تلف شود و یا معیوب و ناقص گردد (هرچند خریدار افراط و تفریط نکرده باشد) فروشنده در این رابطه ضامن نیست نتیجه اینکه وقتی خرده‌فروش آن مقدار کم از کالاهای بهداشتی را (جهت آزمایش کردن میزان رغبت و میل خریداران به خریدن آن کالاها و یا جهت امتحان کردن کیفیت و مرغوبیت آن کالاها و یا به دلیل دیگری) از عمده‌فروش دریافت کرد با توجه به اینکه گفته شد رابطه حقوقی حاصل شده بین عمده‌فروش و خرده‌فروش تابع عقد ودیعه نیست، اگر آن کالاهای بهداشتی بعد از تحویل گرفتن تلف شده و یا معیوب و ناقص گردید عمده‌فروش ضامن جبران خسارت نیست چون که آن رابطه حقوقی تابع قرارداد بیع (خرید و فروش) قرار گرفته است و براساس مقررات بیع وقتی خریدار کالایش را سالم دریافت کرد بعداً به هر دلیلی و عنوانی آن کالا تلف شده و یا معیوب شود فروشنده (در مثال عمده‌فروش کالاهای بهداشتی) در برابر خریدار (در مثال خرده‌فروش کالاهای بهداشتی) مسئولیتی ندارد. بنابراین در چنین موردی نباید گمان شود که این رابطه حقوقی حاصل شده بین عمده‌فروش و خرده‌فروش تابع قرارداد ودیعه (امانت) باشد تا در صورت تلف شدن و یا معیوب شدن آن کالاهای بهداشتی (در صورت عدم افراط و تفریط خرده‌فروش) عمده‌فروش ضامن باشد که احکام و مقررات قرارداد ودیعه این چنین اقتضاء می‌کند. دلیل بیهوده بودن این گمان همان است که گفتیم که خرده‌فروش مالک آن کالاهای بهداشتی شده در حالی که در ودیعه امانت‌پذیر (مستودع) مالک اموال امانتی نمی‌شود. «در این مورد به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۱، شماره ۵۲ و جلد ۴، شماره ۱۶ رجوع کنید.»

۷- آخرین نکته‌ای که در ارتباط با ماده ۶۰۷ قانون مدنی بررسی می‌کنیم مسئله ماهیت حقوقی سپرده‌های بانکی است که در مورد سپرده‌هایی که مردم در بانک می‌گذارند (اعم از سپرده‌های کوتاه مدت، بلندمدت، ...) همان سؤال گذشته وجود دارد که آیا بعد از سپرده‌گذاری مردم در بانک رابطه بانک با مردم تابع قرارداد اجاره بوده و احکام و آثار و مقررات اجاره بر آن عمل (سپرده‌گذاری) حاکم است که مردم در حقیقت متصدی و مسئول بانک را اجیر کرده و خود بانک به عنوان محل و مکان اجاره شده جهت نگهداری آن سپرده‌ها مطرح است یا اینکه آن عمل (سپرده‌گذاری) تابع مقررات قرارداد ودیعه (امانت) بوده و احکام و آثار و مقررات قرارداد ودیعه (امانت) در مورد آن سپرده‌ها جاری است که یکی از تفاوت‌های بین آثار آن دو قرارداد (اجاره و ودیعه) در موضوع جایز بودن یا لازم بودن آن قرارداد ظاهر می‌شود که اگر ماهیت حقوقی سپرده‌گذاری یک ماهیت اجاره کردن باشد بانک و سپرده‌گذار باید پایبند و ملتزم به آن قرارداد باشند و نمی‌توانند (بدون وجود دلیل قانونی برای فسخ) آن قرارداد اجاره را فسخ نمایند و در نتیجه آن قرارداد لازم خواهد بود. اما اگر معتقد شدیم که ماهیت حقوقی آن رابطه (بین بانک و سپرده‌گذار) یک ماهیتی است که تابع مقررات عقد ودیعه (امانت) است و آثار و احکام قرارداد ودیعه بر آن حاکم بوده و اعمال و اجراء می‌گردد آنگاه آن عمل سپرده‌گذاری در بانک یک معامله جایز بوده و به مقتضای جواز آن، هر کدام از دو طرف (بانک و سپرده‌گذار) در صورت تمایل می‌توانند آن را فسخ نمایند. «در این مورد به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۱ و جلد ۴، بخش قرائت و تمرین (۱) رجوع کنید.»

ماده ۶۰۸- در ودیعه قبول آمین لازم است اگرچه به فعل باشد.

سؤال = در قرارداد ودیعه قبول کردن شخص امین (امانت‌پذیر = مستودع) چگونه محقق می‌شود؟

جواب = از نظر حقوقی یکی از دو طرف قرارداد که وظیفه او قبول کردن مفاد قرارداد است که به او قابل گفته می‌شود در درجه اول باید با لفظ و عبارت قبول کردن و رضایت خود را نسبت به محتوای قرارداد اعلام نماید ولی در برخی موارد (از جمله قرارداد ودیعه) قبول فعلی هم کفایت می‌کند و با قبول فعلی قابل هم قرارداد ودیعه به صورت صحیح محقق می‌گردد. بدین جهت قانونگذار در ماده فوق ۶۰۸ بیان داشته که امین در قرارداد ودیعه حتماً باید قبول خود را اعلام نماید و قبول او برای صحت قرارداد ودیعه لازم است اما این قبول واجب نیست حتماً با لفظ باشد بلکه با فعل او (امین = امانت‌پذیر = مستودع) محقق می‌شود. برای مثال وقتی که

مالک ماشین، طبق قرارداد ودیعه به شخص امین (امانت‌پذیر) می‌گوید: «ماشین خود را نزد شما به مدت یک ماه امانت می‌سپارم تا از آن مراقبت نمایی» و امین در جواب بگوید: «این امانت را قبول کردم» قرارداد ودیعه محقق شده است و همین‌طور اگر امین بدون اداء لفظی و عبارتی کلید آن ماشین را به نشانه قبول کردن آن امانت از مالک ماشین بگیرد همین اندازه برای تحقق قبول از طرف قابل (امین) کفایت می‌کند و قرارداد ودیعه محقق می‌شود که به این عمل «قبول فعلی» گفته می‌شود. در ماده ۶۳۲ قانون مدنی نیز نمونه‌هایی و مصادیقی از قبول فعلی قابل (امین = امانت‌پذیر) ذکر شده است که عبارتند از: کاروانسرادار، صاحب مهمانخانه و حمامی که وقتی مراجعه‌کنندگان (واردین) لباس‌ها و یا اسباب و وسایل خود را به عنوان امانت دادن به آنها می‌سپارند آنها بدون به کار بردن لفظ و عبارتی آن اشیاء را به منظور حفاظت و نگهداری کردن تحویل می‌گیرند که به این نوع قبول «قبول فعلی» گفته می‌شود و از نظر حقوقی همین مقدار برای صحیح بودن قرارداد ودیعه کافی است. اکنون دو نکته در این زمینه اضافه می‌کنیم:

۱- نکته اول اینکه مورد دیگری از قبول فعلی را می‌توان نام برد که امروزه بسیار شایع و فراوان است و آن مورد عبارت است از «باز گذاردن پارکینگ عمومی برای رانندگان به منظور پارک کردن ماشین‌های خود». همان‌طوری که از ظاهر امر نمایان است وقتی که مالک ماشین، ماشین خود را در آن پارکینگی که باز بوده و بر روی رانندگان گشوده است، پارک می‌نماید و متصدی آن پارکینگ هم شاهد پارک کردن آن ماشین می‌باشد و هیچ‌گونه لفظ و عبارتی جهت قبول کردن امانت به کار نمی‌برد دلیل و نشانه قبول فعلی است که عملاً آن اتومبیل پارک شده را به عنوان امانت پذیرش نموده است و همین مقدار برای تحقق قبول در قرارداد ودیعه کفایت می‌کند. «در این مورد به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۴، شماره ۱۷ رجوع کنید.»

۲- دومین نکته را به بیان یکی دیگر از موارد قبول فعلی در ودیعه (امانت) اختصاص می‌دهیم و آن در موردی است که مثلاً یک فردی بسته کالایی دارد و در شرایطی قرار گرفته است که باید آن را به صورت امانت به یکی از مالکان مغازه‌ها بسپارد که بر همین اساس وارد یکی از مغازه‌ها شده و به مالک مغازه می‌گوید: «لطفاً این بسته کالا را به مدت ۲ ساعت به عنوان امانت نزد خود نگه دار.» اما مالک مغازه قبولی خود را به زبان نمی‌آورد ولی درخواست وی را هم رد نمی‌کند بلکه سکوت اختیار می‌کند که این سکوت وی حاکی از قبول فعلی او نسبت به آن بسته کالا به عنوان امانت (ودیعه) می‌باشد. نتیجه اینکه با سکوت وی عملاً قبول خود را نسبت به ودیعه بودن آن بسته کالا به مدت ۲ ساعت نزد وی اعلام نموده است و به دنبال آن مالک آن بسته

کالا می‌تواند آن بسته را نزد مالک مغازه به عنوان امانت گذاشته و برود. مالک مغازه هم بر همین اساس که عملاً و فعلاً قبول امانت نموده است موظف است در آن مدت ۲ ساعت از آن بسته کالا مراقبت نماید. «در این مورد به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۴ رجوع کنید.»

ماده ۶۰۹- کسی می‌تواند مالی را به ودیعه گذارد که مالک یا قائم‌مقام مالک باشد و یا از طرف مالک صراحتاً یا ضمناً مجاز باشد.

سؤال = از نظر حقوقی صورت‌های مجاز بودن یک شخص جهت ودیعه (امانت) گذاشتن یک کالا نزد دیگری چیست؟

جواب = قانونگذار در ماده فوق سه صورت برای جواز ودیعه گذاشتن یک شخص بیان می‌کند: ۱- یا مالک باشد. ۲- یا قائم مقام (جانشین) مالک کالا باشد. ۳- یا از طرف مالک کالا به صورت صریح یا ضمنی اذن داشته باشد. نسبت به صورت اول موضوع خیلی واضح و روشن است زیرا مثلاً کسی که مالک یک فرش است حق دارد فرش خود را نزد دیگری امانت (ودیعه) بگذارد. البته شایان توجه است که با ملاحظه صورت دوم معلوم می‌شود که این مالک کالا باید اهلیت قانونی برای تصرف در اموالش هم برای این کار (ودیعه گذاشتن) داشته باشد. یعنی باید بالغ، عاقل و رشید و مختار هم باشد. در مورد صورت دوم منظور قانونگذار مواردی است که مالک کالا اهلیت قانونی جهت ودیعه (امانت) گذاشتن کالایش را ندارد مانند صغیر (نابالغ) دیوانه (مجنون) و سفیه (کسی که رشد فکری ندارد) که در این موارد گرچه این افراد مالک کالای خود هستند مثل اینکه مالک فرش هستند اما منع قانونی جهت تصرف کردن در مال و کالای خود دارند و چون امانت گذاشتن کالا (در مثال فرش) یک تصرف در مال خود به شمار می‌رود بدین لحاظ از این عمل ممنوع شده‌اند که در این موارد قائم مقام آنها مانند پدر یا وصی یا قیم از طرف آنها (به شرط اینکه امانت گذاشتن کالایشان به مصلحت آنها باشد) کالای آنها (در مثال فرش) را نزد دیگری امانت می‌گذارند. در مورد صورت سوم نظر قانونگذار به مواردی است که مالک اهلیت قانونی جهت امانت گذاشتن کالایش نزد دیگری دارد اما به شخص دیگری اذن داده و او را وکیل می‌کند تا این کار را برای او انجام دهد که براساس مثال مالک فرش با وجود اینکه خودش اهلیت و صلاحیت قانونی برای امانت گذاشتن فرش خود نزد دیگری دارد اما به دلیلی فرد دیگری را وکیل کرده (و به او اذن می‌دهد) این عمل را برای او انجام دهد. البته این اذن به دو روش صریح و ضمنی محقق می‌شود که در روش صریح مالک کالا به صورت مستقل و

مستقیم و واضح به دیگری وکالت در امانت دادن کالایش را می‌دهد مانند اینکه مالک فرش به طور مستقیم به دوستش می‌گوید: «این فرش من را ببر نزد فلانی امانت بگذار.» اما در روش ضمنی همان طوری که از نام آن معلوم است آن اذن در ودیعه گذاشتن به صورت مستقل و مستقیم داده نشده است بلکه ضمن یک عقد دیگر و به شکل غیرمستقیم داده می‌شود مانند اینکه مالک فرش با دوستش در یک توافق و تفاهمی قرار می‌گذراند که اگر مالک فرش تصمیم گرفت فرش خود را نزد دیگری امانت بگذارد خودش این کار را انجام ندهد بلکه دوستش را وکیل کند (به او اذن دهد) تا وی این کار را انجام دهد. آنگاه در یک معامله دیگری بین آن دو نفر که مثلاً مالک فرش از دوستش درخواست می‌کند که ماشینش را به وی اجاره دهد دوستش با این شرط قبول می‌کند که ماشینش را اجاره دهد که مالک فرش هم آن اذن و وکالتی را که در آن تفاهم و توافق وعده داده بود که به او بدهد، الان آن اذن و وکالت را به او بدهد تا فرش را الان نزد فلانی امانت بگذارم که مالک فرش می‌گوید: «این شرط را قبول کردم» که با اعلام قبول کردن این شرط آن اذن و وکالت به او به صورت ضمنی داده می‌شود زیرا این وکالت در ضمن قرارداد اجاره ماشین محقق شده است و همین اندازه اذن هم کفایت می‌کند که وی از نظر حقوقی مجاز باشد آن فرش متعلق به دیگری از نزد شخصی دیگری ودیعه (امانت) بگذارد. در پایان توضیح و شرح این ماده یک نکته اضافه می‌کنیم: «جهت مطالعات بیشتر به کتاب قانون مدنی به زبان عامه، تقویان، دکتر سیدعلی اکبر مراجعه نمایید.» در برخی موارد که ضرورت و نیاز اقتضاء نماید انسان می‌تواند مالی را نزد شخصی و یا در مکان خاصی به امانت (ودیعه) بگذارد که بیان چند مورد از آن می‌پردازیم:

۱- شخص امینی که مال نزد او به امانت گذاشته شده است به منظور حفاظت بیشتر از آن مال می‌تواند آن مال را نزد شخص و یا در مکان امن تری به امانت بسپارد. مثلاً چنانچه شخص پذیرفته است که از ماشین دوستش که به عنوان امانت نزد وی گذاشته شده است محافظت و مراقبت نماید ولی منزل وی امنیت مطلوبی جهت مراقبت از آن ماشین ندارد بدین جهت برای اینکه آن ماشین از سلامتی بیشتری برخوردار شده و در معرض خراب شدن و به سرقت رفتن قرار نگیرد آن را در پارکینگ منزل دوستش به امانت می‌گذارد که از امنیت بیشتری برخوردار است. این عمل او به لحاظ حقوقی مانعی ندارد.

۲- مورد دیگر برای جواز امانت گذاشتن مال دیگری مربوط به نزاع و اختلاف دو نفر یا دو گروه راجع به مالی می‌باشد که به مرحله شکایت به دادگاه رسیده است و دادگاه وارد رسیدگی به این اختلاف و نزاع بر سر آن مال شده است. ولی دادگاه تشخیص داده است که اگر آن مال تا پایان

مرحله رسیدگی به آن نزاع در دست یکی از دو طرف اختلاف و یا در دست دیگری باشد در معرض تلف شدن و یا معیوب و ناقص شدن خواهد بود، از این رو حاکم می‌تواند به منظور جلوگیری نمودن از تلف شدن و یا معیوب و ناقص شدن آن مال، مال مورد نزاع و اختلاف را نزد شخصی به امانت (ودیعه) بسپارد. و یا اینکه آن را در صندوق امانات دادگاه به امانت بسپارد مانند اینکه دو نفر بر سر کالاهایی اختلاف و نزاع کرده‌اند که نباید آن کالاها در محیط آزاد و باز باقی بماند که در معرض خراب شدن و معیوب شدن واقع می‌شود بلکه باید در محیطی سرپوشیده و خنک نگهداری شود و تا زمانی که آن نزاع و اختلاف ادامه دارد و دادرسی دادگاه نسبت به آن پرونده تا آخر نرسیده است اگر آن کالاها در فضای باز و آزاد باقی بماند به احتمال زیاد فاسد و خراب می‌شود که در این صورت دادگاه مجاز است که آن کالاها را در صندوق امانات دادگاه به ودیعه (امانت) بگذارد تا اینکه تا آخر مرحله دادرسی در آن مکان باقی بماند و خراب نشود آنگاه بعد از پایان دادرسی وقتی معلوم شد آن کالاها متعلق به کدام یک از دو طرف نزاع است آن را از صندوق امانات بیرون آورده و به مالک واقعی‌اش داده شود.

۳- سومین مورد این است که مستأجری مالی را که اجاره کرده است جهت محافظت بیشتر از آن می‌تواند آن را نزد شخصی و یا در مکان امنی به امانت بگذارد مانند خانمی که مقداری جواهرآلات را اجاره کرده است تا از آن استفاده نماید و بعد از پایان مدت اجاره آن را به مالکش برگرداند چنانچه احساس کرد که منزل وی مکان امن و مناسبی برای نگهداری کردن آن جواهرآلات نمی‌باشد از نظر حقوقی می‌تواند آن را به مکان امن و مناسبی منتقل نموده و در آنجا به ودیعه بگذارد. «در این زمینه به کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب عقود معین، جلد ۴، شماره ۶ رجوع نمایید.»

ماده ۶۱۰- در ودیعه باید طرفین اهلیت برای معامله داشته باشند؛ و اگر کسی مالی را از کس دیگر که برای معامله اهلیت ندارد به عنوان ودیعه قبول کند، باید آن را به ولی او رد نماید و اگر در ید او ناقص یا تلف شود ضامن است.

سؤال = وظیفه انسانی که از اشخاص فاقد اهلیت برای معامله امانتی را قبول کرده است چیست؟

جواب = در این حالت آن شخص (مستودع = امانت‌پذیر) آن مالی را که به عنوان امانت پذیرفته است تا از آن نگهداری کند باید به ولی آن شخص فاقد اهلیت (مودع) رد نماید و اگر آن مال در دست مستودع یعنی امانت پذیر تلف شده و یا ناقص گردید وی (مستودع =

امانت‌پذیر) ضامن است و باید مثل یا قیمت آن مال تلف شده را به ولی آن شخص فاقد اهلیت رد نماید و باید در صورت نقصان و یا عیب پیدا کردن، تفاوت بین دو قیمت معیوب و صحیح آن مال (ارش) را به ولی آن شخص فاقد اهلیت رد نماید. بنابراین اگر شخص سفیهی که به دلیل فقدان رشد فکری از تصرف در اموالش ممنوع شده و اهلیت قانونی جهت امانت گذاشتن اموال خود را ندارد و در این مورد ولی او باید اقدام نماید چنانچه کالایی از کالاهای منزلش را نزد شخصی به امانت گذاشت امانت‌پذیر (مستودع) باید این موضوع را فوراً به ولی او (مانند پدرش) اطلاع دهد و ولی وی چنانچه این عمل فرزندش را تأیید نکرد و خواستار رد کردن آن کالا شد امانت‌پذیر (مستودع) باید آن کالا را به ولی وی برگرداند و چنانچه امانت‌پذیر با علم و آگاهی و یا با حالت جهل و نادانی به سفاهت آن فرزند آن امانت را قبول کرده باشد و سپس آن امانت در دست وی تلف شده و یا معیوب و ناقص شده باشد وی ضامن است و باید در صورت تلف شدن مثل آن کالا (اگر کالا مثلی باشد) و یا قیمت آن کالا (در صورتی که کالا قیمی باشد) را به ولی آن سفیه تحویل دهد. همان طوری که در صورت معیوب و ناقص شدن آن کالا باید تفاوت بین دو قیمت ناقص و صحیح آن را به ولی آن سفیه رد نماید مانند اینکه سفیه فرش خود را نزد وی امانت گذاشته که قیمت صحیح و سالم آن فرش مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ پانصد هزار تومان است و نزد امانت‌پذیر قسمتی از آن فرش سوخته و قیمت آن به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ چهارصد هزار تومان کاهش پیدا کرده است که تفاوت دو قیمت صحیح و معیوب آن فرش $\frac{1}{5}$ یک پنجم قیمت صحیح آن می‌باشد بنابراین با درخواست ولی سفیه امانت‌پذیر مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ یکصد هزار تومان باید به ولی آن سفیه بپردازد. ماده ۳۰۳ قانون مدنی نیز موضوع ضمانت افرادی را که حق دریافت مالی را از فردی ندارند مطرح نموده و بیان می‌کند: "کسی که مالی را من غیر حق (بدون حق داشتن) دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است، اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل." از دقت در ماده ۳۰۳ قانون مدنی معلوم می‌شود که در مورد مسئله مورد بحث و گفتگو (امانت گرفتن از شخصی که اهلیت قانونی جهت امانت دادن مال خود ندارد) امانت‌پذیر چه عالم و آگاه به عدم اهلیت داشتن امانت‌گذار بوده و چه جاهل به این موضوع بوده باشد در هر دو صورت نسبت به آن مالی که از شخص فاقد اهلیت قانونی (مانند سفیه در مثال) دریافت کرده است ضامن است و طبق مثال فرش مورد امانت را باید به ولی آن سفیه برگرداند و در این موضوع فرقی نمی‌کند امانت‌پذیر علم به سفاهت مالک کالا داشته یا نداشته است. ضمناً توجه به این عبارت قانونگذار در ماده ۳۰۳ قانون مدنی نیز مهم است که می‌گوید "من غیر حق دریافت کرده است،" من غیر حق یعنی بدون اینکه حق دریافت مال را

داشته باشد. صورت‌های متفاوتی را می‌توان برای دریافت مال "بدون داشتن حق دریافت" تصور نموده و فرض کرد مانند اینکه طرف قرارداد خرید و فروش (فروشنده) به علت سفاهت یا دیوانگی یا محجور بودن به دلیل ورشکستگی اهلیت قانونی برای انجام معامله خرید و فروش نداشته باشد و همین‌طور مانند اینکه انسان مالی را به عنوان هبه (بخشش) از کسی دریافت کند در حالی که هبه‌کننده (بخشنده) فرد دیگری را در نظر داشته است که آن کالا را به او ببخشد (هبه نماید) و اشتباهاً آن شخصی کالا را دریافت کرده و موارد دیگری که مورد بحث هم یکی از آن مواردی است که انسان "بدون داشتن حق دریافت مال"، آن مال را دریافت می‌کند که شخص امانت‌پذیر از نظر قانونی حق ندارد مال اشخاصی مانند سفیه را به عنوان امانت دریافت کند زیرا سفیه و مانند آن حق تصرف کردن در مال خود را ندارند و امانت دادن مال یک نوع تصرف در آن مال به شمار می‌آید. در تأیید بر آنچه گفته شد می‌توان به ماده ۳۶۶ قانون مدنی استناد و اشاره نمود که می‌گوید: "هرگاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند باید به صاحبش رد کند و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود." همچنان که قبلاً هم توضیح داده شد گاهی معامله بیع (خرید و فروش) فاسد و باطل می‌باشد به این معنی که مبادله کالا با ثمن (قیمت) صورت نمی‌گیرد و به دیگر سخن علی‌رغم اینکه فروشنده و خریدار معامله کرده‌اند و مثلاً فروشنده ماشینش را به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ چهار میلیون تومان به خریدار فروخته است اما آن معامله فاسد بوده به دلیل اینکه مبیع (کالای فروخته شده) هنگام بیع (خرید و فروش) مجهول بوده است یعنی فروشنده فقط گفته من یک کالایی دارم که آن را به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ چهار میلیون تومان می‌فروشم اما تعیین نمی‌کند که چه نوع کالایی است و خریدار هم در حالی که نمی‌داند چه کالایی را خریداری می‌کند اقدام به آن معامله می‌نماید که از نظر قانونی در این صورت آن بیع باطل و فاسد خواهد بود به دلیل مجهول و مبهم بودن مبیع که در نتیجه وقتی خریدار با این حالت بطلان و فساد بیع، آن کالا را دریافت می‌کند و بعد از دریافت متوجه می‌شود آن کالا ماشین است در این مورد گفته می‌شود خریدار "من غیر حق" (بدون داشتن حق دریافت) آن کالا را دریافت کرده است و باید آن را به فروشنده برگرداند و ثمن (قیمت) پرداخت کرده را پس بگیرد سپس در صورت تمایل به این معامله دوباره یک قرارداد جدید خرید و فروش نسبت به آن ماشین مشخص و معین و معلوم منعقد نمایند. غرض و منظور از این مقدار توضیح مطلب و استناد و استشهاد به ماده ۳۶۶ این بود که مورد دیگری از دریافت کالا را "بدون داشتن حق دریافت" (دریافت من غیر حق) که مورد نظر قانونگذار است بیان کرده باشیم که از مجموع مواردی که در این زمینه سراغ داریم و

آنها را از ابواب مختلف فقه و قانون جمع‌آوری می‌نماییم این قاعده کلی و فراگیر شکل گرفته و ساخته می‌شود که هر کسی مالی را "بدون داشتن حق دریافت" (من غیر حق) دریافت کرده باشد خواه علم و آگاهی به عدم حق دریافت آن مال داشته است یا جاهل و ناآگاه به عدم حق دریافت آن مال بوده است در برابر مالک آن مال ضامن است و باید آن مال را به مالکش برگرداند (و اگر آن مال نزد وی تلف شود در صورت مثلی بودن آن مال ضامن مثل آن و اگر آن مال قیمی باشد ضامن قیمت آن مال خواهد بود) و در صورت ناقص یا معیوب شدن آن مال (همان طوری که قبلاً توضیح داده شده و مثال زده شد) باید تفاوت دو قیمت صحیح و معیوب آن کالا را نیز به مالکش بپردازد و به علاوه اگر آن کالا منافع و فوایدی داشته است که در مدت زمانی که (به شکل فساد معامله) آن مال در اختیار وی بوده و آن فواید و منافع از دست مالک آن کالا رفته و فوت شده است دریافت‌کننده آن مال (که به شکل فساد آن مال را در اختیار گرفته است) ضامن آن فواید و منافع از دست رفته نیز می‌باشد که باید آن را جبران نماید که مثلاً شخصی امانت‌پذیر حیوانی را که جهت بار کشیدن و حمل و نقل اثاث و اسباب و وسایل منزل کرایه داده می‌شود و از آن برای کسب و کار استفاده می‌نمایند، از مالک وی که سفیه می‌باشد به عنوان امانت دریافت نمود چه قدرت و امکان رد کردن آن حیوان را به ولی وی دارد و یا ندارد و آن حیوان برگردانیده نشد و مدتی آن حیوان بارکش را نزد خود نگه داشت به طوری که مثلاً ۵ روز آن حیوان را نزد خود بدون مجوز نگهداری نمود که مثلاً روزی ۵۰/۰۰۰ پنجاه هزار تومان آن حیوان به نفع مالکش اجاره داده می‌شده است در این حالت که به مدت پنج روز آن حیوان به صورت غیرمجاز نزد آن شخص (مستودع) نگهداری شده است به اندازه مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ دویست و پنجاه هزار تومان از منافع و فواید آن حیوان فوت شده و از دست مالکش رفته است زیرا اگر آن حیوان در مدت آن ۵ روز در اختیار ولی آن سفیه بود آن را کرایه و اجاره می‌داد و معادل مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ دویست و پنجاه هزار تومان درآمد به نفع فرزند سفیهش کسب می‌نمود و اکنون که معادل مبلغ مذکور منفعت آن حیوان از دست مالک آن حیوان رفته و مالک آن حیوان معادل این مبلغ از منافع و فواید حیوانش محروم شده است شخص مستودع (امانت‌پذیر) ضامن این مبلغ مذکور در برابر مالک حیوان می‌باشد. اکنون با ملاحظه مطالب بیان شده نکاتی را در این خصوص اضافه می‌کنیم:

۱- اولین نکته‌ای که در ارتباط با ماده ۶۱۰ در نظر گرفته شده است این است که به امانت گرفتن یک مال گاهی قراردادی است که مالک یک کالا و یا کسی که از طرف مالک کالا اذن و اختیار تصرف در کالا را دارد آن کالا را ضمن یک قرارداد امانت نزد شخصی به امانت می‌سپارد

فهرست مطالب



فصل نهم: در ودیعه	۱۱
مبحث اول: در کلیات	۱۱
مبحث دوم- در تعهدات امین	۳۵
مبحث سوم- در تعهدات امانت گذار	۱۱۱
فصل دهم- در عاریه	۱۱۵
فصل یازدهم- در قرض	۱۴۴
فصل دوازدهم- در قمار و گرویندی	۱۶۴
فصل سیزدهم- در وکالت	۱۷۴
مبحث اول- در کلیات	۱۷۴
مبحث دوم- در تعهدات وکیل	۲۰۹
مبحث سوم- در تعهدات موکل	۲۳۲
مبحث چهارم- در طُرُقِ مُخْتَلِفِہٖ اِنْقِضَاۤی وِکَالَت	۲۴۲
فصل چهارم- در ضَمَانِ عَقْدِی	۲۶۳
مبحث اول- در کُلِّیَات	۲۶۳
مبحث دوم: در اَثَرِ ضَمَانِ بَیْنِ ضَامِنٍ وَ مَضْمُونِہٖ	۳۱۱
مبحث سوم: در اَثَرِ ضَمَانِ بَیْنِ ضَامِنٍ وَ مَضْمُونِہٖ غَنَہٗ (بدھکار)	۳۴۱
مبحث چهارم: در اَثَرِ ضَمَانِ بَیْنِ ضَامِنِیْنِ (دو ضامن)	۳۷۱
فصل پانزدهم: در حواله	۳۷۹
فصل شانزدهم: در کفالت	۴۱۰
فصل هفدهم: در صَلْح	۴۵۴
فصل هجدهم- در رَهْنُ	۴۹۹
فصل نوزدهم- در هبہ (بخشش)	۵۶۷

۵۹۸.....	قسمت سوم- در اخذ به شفعه.....
۶۶۶.....	قسمت چهارم- در وصایا و ارث.....
۶۶۶.....	باب اول- در وصایا.....
۶۶۶.....	فصل اول- در کلیات.....
۷۰۳.....	فصل دوم- در موصی.....
۷۳۶.....	فصل سوم: در موصی به.....
۷۹۱.....	فصل چهارم: در موصی له.....
۸۰۷.....	فصل پنجم: در وصی.....

avabook.com

مقدمه مؤلف

اهداف و تألیفات این کتاب و کتاب‌ها به دلیل مشکل‌ترین کمبود یک مثال عامه برای مطالعه در تسریع و تسهیل در دسته‌بندی در آزمون‌های کنکوری و ... تدریس دانشگاهی، در بین کتاب‌های مؤلفان همیشه برای مخاطبین و ... دانشجویان احساس می‌گردید. لذا همچنان این کمبود وجود دارد که لازم دیدیم با قلم شیوا و با تدریج به همین سبک عامه و با تفسیر پیشرفته کلیه قوانین مرتفع گردد. و لذا تألیف و خصوصیات این کتاب تشریح کامل مواد قانونی، ارائه توضیحات آراء وحدت رویه قضایی و نظریات دانشمندان علم حقوق را با مثال‌های فراوان و نکته‌های کلیدی برای جامعه حقوقی (داوطلبان کنکور، دانشجویان، کارآموزان اختبار، و کلا و قضات و ...) در ۶ جلد تحت عنوان شرح قانون مدنی به زبان پیشرفته به جامعه حقوقی و دانش‌پژوهان علم حقوق تقدیم می‌نمایم. این کتاب در دو جلد، جلد نخست شرح قانون مدنی به زبان عامه و جلد پیشرفته که در ۶ جلد جهت سهولت در مطالعه کردن تنظیم و تألیف گردیده است.

احتراماً بر خود لازم می‌دانم از مساعدت خالصانه و زحمات بی‌شائبه مدیریت محترم انتشارات کتاب آوا و مؤسسه آموزش عالی آزاد ندا و همکاران گرامی و خوب و دلسوز تشکر و